

مریم گلوردی

الگوی من کیست؟! از زبان الگو زبانی رساتر از بیان است و خلاصه تر و گویاتر از زبان نوشته و کتاب است. آنچه را که چشم می بیند بیشتر مورد اثر است، تا آنچه را که گوش می شنود. ما از راه چشم حتی حقایق را لمس می کنیم و دل ما آنچه را که دیده است، یاد می کند. ادیان بیش از آنکه به سخن بپردازند به ارائه الگو پرداخته اند. مربیان نیز سعی دارند خواسته ها و اهداف تربیتی را از روی شاهد ها و الگوها ارائه نمایند و با نشان دادن فرد مورد نظر به آدمی بفهمانند که چگونه باید باشند. الگوها در ویرانی یا سازندگی جامعه فوق العاده مؤثرند. و در واقع هرکس می کوشد قهرمانی را برای خود بپذیرد که واجد صفات مثبت بیشتر و قابل قبول تری باشد.

● اسلام و الگوها

اسلام به عنوان یک مکتب مترقی در طریق پیش برد اهداف و ایجاد زمینه سازندگی می کوشد به عرضه و ارائه الگو بپردازد. زیرا می داند راه ارائه الگو هموارتر و زودرس تر از دیگر راههاست. توصیه قرآن این است که مردم در امور حیات و جزئیات زندگی باید به رسول خدا تاسی داشته باشند.

توصیه های روایات هم این است که مردم را از طریق ارائه الگو و عمل دعوت به حق کنند، نه تنها از طریق زبان. زیرا مردم از آن طریق بهتر و بیشتر به حقایق آشنا می شوند. پیشوایان ما هر کدام اسلام مجسم و بلکه قرآن مجسم بودند. به هنگامی که از عایشه پرسش شد که اخلاق پیامبر چگونه بود، پاسخ داد: خلق و خویش قرآن بود.

است، بی شک الگوی زندگی اش هنرپیشه های سینما، زنان اشراف، حجله نشینان و عروسان چمن است و او جز آن الگویی ندارد، اگرچه در لباس و چهره به ظاهر اسلامی باشد.

شک نیست که برخی با ظاهر سازی هایی سعی دارند. خود را به همین گونه که گفتیم، معرفی کنند، اما واقعیت این است که ظاهر سازی ها حقیقت را عوض نمی کنند.

● فاطمه، الگوی سنت شکنی

نقش فاطمه در احیای زنان عجیب بود. او وسیله و الگوی یک سنت شکنی است. سنتی که به طور غلط در جامعه شایع شده و مردم را اسیر و گرفتار خود کرده است.

پیامبر از طریق او نشان داد که زن در جهان بینی اسلام از چه دریچه ای باید نگریسته شود. ارج و قیمت زن تاجه اندازه است و چگونه باید او را در کنار خود داشت. هنگامی که پیامبر دست دختر خود را می بوسد، نشانه ای اعتراض و عصیان علیه طرز فکر جامعه ی زمان اوست. انقلابی است علیه زنده به گور کردن دختران و نشان می دهد که نه تنها نباید به او اهانت کرد،

بلکه باید او را پذیرفت و دست او را هم از آن بابت که نعمتی از خداست، باید بوسید.

دختران و زنان را در عصر او به حساب نمی آوردند، حتی آنان را به شخم کردن زمین و می داشتند. دختران را جزو حسب و نسب نمی شمردند. حتی از ارث محروم می کردند. در عوض قصاص را درباره ی او به سختی اجرا می نمودند. بی پسر را اگرچه دارای چندین دختر بود ابتر می شمردند.^(۱)

پیامبر از طریق فاطمه نشان داد که بی پسرا بتر نیست. مقام و رتبه ی زن آن چنان نیست که کوتاه نظران می پندارند. او حتی می تواند خیرکثیر باشد.

مایه ی نعمت و عزتی برای خانواده باشد. او الگوی سنت شکنی حتی درباره ی ازدواج بود. در آن عصر بزرگزادگان جز با بزرگان و ثروتمندان ازدواج نمی کردند. اما او این سنت را شکست و با علی پسر عم خود که فقیر بود حتی خرج عروسی را از محل فروش زره تهیه کرده بود، ازدواج کرد.

راستی اگر فاطمه نبود، این سنت های غلط چگونه می شکست و این همه الگوهای عملی در زندگی و رسالت پیامبر چگونه حاصل می شد؟ اگر فاطمه نبود و این همه عقده ها، حقارت ها، ناپسا منی ها که روح زنان را سست می سازد چگونه از میان می رفت؟

پی نوشت:

۱. دکتر علی قائمی، کتاب فاطمه برترین بانو، ص ۲۰
۲. همان، ص ۲۲
۳. همان، ص ۳۵

معصومان ما به تعبیر خودشان ملاک و میزان بودند. به هنگامی که از معصوم پرسش شد منظور از کلمه ی میزان در قرآن چیست، فرمود: منظور ما مییم، ما میزان در قیامتیم و براساس ما شخصیت ها سنجیده و بررسی می شوند.

الگوها باید موجبی برای ایجاد شور، احساس و عاطفه ی دینی باشند، ما را جذب بکنند، رهبری و هدایت کنند و زمینه را برای همانندی ما با آنان فراهم سازند.^(۱) اگر در مکاتب بشر ساخته الگوی عملی وجود ندارد و آنان ناگزیرند، ایدئالستی بیندیشند، خوشختانه در مکتب اسلام راستین یعنی تشیع الگوهای بسیاری وجود دارد.

● الگوی زنان امروز کیست؟

پاسخ این سؤال بسیار روشن است و آن این است که وضع شان را ببین و حالشان را بپرس.

ببین آنچه را که می گویند، انجام می دهند، عمل می کنند، به گفته و عمل چه کسانی شبیه است. آیا زینبی عمل می کنند و یا چون دیگران؟ آیا روش شان چون فاطمه است یا فرد دیگر؟

بی شک گروهی هستند که به دنبال الگوهای غربی می باشند. فکر شان، روشی زندگی شان، تجمل پرستی شان، نشأت گرفته از زنان به ظاهر متمدن و روشنفکر، ولی در واقع بنجل های غربی است. آن دوشیزه یا بانوی نیمه عربی، آن وابسته و دل بسته به لوکس گرایی و تجمل، آن انسان لذت پرست نمی تواند الگویی جز الگوی غربی، افراد بی بند و بار، حتی رقا صه ها و آوازه خوانان داشته باشد.^(۲)

آن کس که دائماً در فکر رنگ و عوض کردن زیور و تجملات، زندگی طاووسی، عیش و خوشگذرانی